

هر « عید » یک « عیدی »: « عیدی سوّم »:

## « عید امامت » بر شما « مبارک »:

با سلام و احترام به شما و با امید به اینکه در این سال جدید « تحوّل روزانه » داشته باشید، از افتخارات « انسان » اینست که خداوند « فاطر السّمواتِ وَ الْأَرْضِ ... » او را بر مبنای « فطرتِ خودش » آفریده و به تجلّی درآورده است.

یعنی: « فطرتِ انسان » با « فطرتِ خدا »، « یکی » است، لذا قرآن می‌فرماید:

« ... فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ... » (روم/۳۰)

(... آن « فطرتِ خدا » است که او « تمام مردم » را بر « مبنای همان » سرشته است ...)

پس وقتی « مؤمن » بعد از « یازده ماه اسیر شکم و تمایلاتِ غریزی بودن »، یک ماه با « تشنگی و گرسنگی طبیعی و تمایلاتِ غریزی » خود به « حکم خالق خود »، « مخالفت » می‌کند و « روزه » می‌گیرد در واقع « عقلانیت و اراده و تقوا و صبر » خود را « تقویت » می‌کند و به « فطرتِ موحدانه » (و به تنظیماتِ آفرینش اولیه) خود باز می‌گردد. این « خودسازی و تحوّل » با « رام کردنِ غرائز » قطعاً « عید » است که باید برایش « جشنی با شکوه » گرفت، زیرا این جشن، « عاملِ حیاتِ و مادرِ تمامِ جشن‌ها » است. اکنون که ما و شما با « عنایت الهی » توانستیم « یکماه » با « طبیعت » و « غفلت »، « مبارزه » و از « چشم، گوش، دست، زبان و خواهشهایِ نفسانی » خود « عاقلانه و مؤمنانه و صبورانه »، « مراقبت » کنیم، امیدوارم به « اراده » و « عزمی پایدار » دست یافته و از « مَنِ وهمی » خود « رها » شده و به « خود حقیقی » یا « خود خدائی » خود رسیده و دیگر هیچ رفتارِ « غافلانه » و « جاهلانه » و « تصنعی و منافقانه‌ای » نداشته باشیم. و نشانه « بازگشت » عاقلانه و مؤمنانه ما به « فطرتِ موحدانه » اینست که از این به بعد از هر نوع « دوگانگی » و « بیگانگی » و « چندگانگی » و از هر « رفتارِ بی‌خودی »، و از هر « گفتارِ خودخواهانه » و از هر « برخوردِ لجوجانه‌ای » باید بپرهیزیم.

ضمناً: « لایق ستایش »، « محتاج ستایش » نیست.

دوستدار شما و محتاج دعای خیر شما. (دوم اردیبهشت ۱۴۰۲)